

## قاضی بازنشسته قاتل پدرش را بخشید/ حکم شهلا جاهد با فشار رسانه‌ها اجرا شد

قاضی بازنشسته ماجرای قتل پدرش را روایت کرد و گفت: اعتقادی به قصاص ندارم.

به گزارش گروه اجتماعی ایسکانیوز، عزیزمحمدی گفت: تا زمانی که اعتماد بین قاضی و وکیل به وجود نیاید فکر نمی‌کنم مشکلی حل شود. همان سوگندی که قاضی اول تصدی شغل خود می‌خورد سوگند از آن مهمتر را وکیل می‌خورد تا حق را بگویند و باید اعتمادسازی وجود داشته باشد.

وی افزود: می‌گویند فلان وکیل فقط دنبال پول است اما این موضوع همه‌گیر نیست و نمی‌شود آن را به همه تعمیم داد.

وی که برای پرونده شهردار سابق تهران نیز پیشنهاد وکالت داشته، در این خصوص گفت: خانواده شهردار هم پیش من آمدند و من با همان تفکری که عرض کردم به آنها گفتم نمی‌توانم پرونده را بپذیرم.

قاضی، قاتل پدرش را بخشید

این قاضی پیشکسوت پرونده قتل پدر خود را نیز این گونه روایت کرد: سال ۸۹ به اردبیل رفتم و شب که برگشتم همسایه‌مان گفت پدرت فوت کرده. پدرم ۸۶ ساله بود و تنها زندگی می‌کرد.

عزیزمحمدی گفت: آقای شهریار که اکنون معاون دادستان است ساعت ۲ نیمه شب سر جنازه آمد. بلافاصله من از صحنه خارج شدم تا آنها بتوانند بدون معذوریت کارشان را انجام بدهند. فقط به آنها گفتم کارت سوخت پدرم از ماشین خارج شده و این یک نکته است.

این قاضی بازنشسته افزود: پدر من آدم تنها و قوی بود. دور و اطراف خانه پدر من هم افراد جوان و معتاد زندگی می‌کرد. ماجرای قتل پدرم نیز این گونه بود که یک پسر ۱۶ ساله به او گفته بود ۱۰ تومان به من بده و برویم حال کنیم پدرم هم نپذیرفته بود و او ابتدا پدرم را کتک زده و سپس با طناب خفه‌اش کرده بود. به پدرم قبلاً گفته بودم اگر این افراد از تو پول خواستند به آنها بده و با آنها درگیر نشو.

عزیز محمدی ادامه داد: بعد از سه سال خود پسر که بابت مواد مخدر دستگیر شده بود در زندان اعتراف کرده و گفته بود من پیرمردی را کشته‌ام و عذاب وجدان دارم و شبها خواب می‌بینم.

وی افزود: زمانی که این پسر را دیدم متوجه شدم این پسر که جانی بالفطره نیست، او قربانی جامعه است، پدر و مادر او طلاق گرفته بودند و مادر بزرگش نیز فکر می‌کرد من پسرش را بالای دار می‌برم اما من حتی شکایت هم نکردم برادر و خواهرهایم هم به تأسی از من گذشت کردند.

عزیزمحمدی گفت: دادگاه قاتل پدرم نیز دو اتاق آن طرفتر از اتاق من برگزار می‌شد ولی در آن شرکت نکردم. این کار در محاکمات

بعدي من مؤثر واقع شد و بعضی مواقع اعلام می‌کردم من درباره پدرم این کار را کرده‌ام شما هم گذشت کن، برخی می‌پذیرفتند و برخی هم نه.

این قاضی بازنشسته افزود: من خودم اعتقادی به قصاص ندارم اما وقتی پشت میز دادگاه نشسته‌ام نمی‌توانم حق مردم را ندهم.

وی درباره پرونده امید برک نیز توضیح داد: این راننده با پیکان قدیمی مسافرکشی می‌کرده است. زمانی که بنزین را از سهمیه آژانس‌ها حذف می‌کنند او نمی‌توانسته درآمد داشته باشد و خانم‌هایی که دستشان طلا و جواهر بوده سوار می‌کرده و یک خانم هم همیشه صندلی جلو داشت که می‌گفت همسرم است و به ما ثابت نشد واقعاً همسرش بوده یا خیر. او این زنان را مورد آزار جنسی قرار می‌داد، طلاهایشان را می‌زدید و آنها را می‌کشت. او پسر جوان خوشگل و خوش تیپی بود که به همه چیز هم اعتراف کرد. وقتی می‌خواستیم او را محاکمه کنیم سالن پر بود و به محض اینکه محاکمه انجام شد او را از جهت دیگری فراری دادیم. او هم قصاص شد.

حکم شهلا جاهد با فشار رسانه‌ها اجرا شد

عزیزمحمدی در مورد حکم شهلا جاهد نیز گفت: اگر قدری در حکم شهلا جاهد تأخیر می‌افتاد بهتر بود.

این قاضی بازنشسته درباره این پرونده گفت: این پرونده در دادگاه عمومی بود و چندین قاضی روی او کار کردند و در نهایت پرونده دست آقای جعفرزاده یکی از قضات تهران افتاد که فکر می‌کنم بر اساس فشار رسانه‌ها این حکم اجرا شد.

وی گفت: به نظر می‌رسد اگر رسانه‌ها این قدر فشار نمی‌آوردند و اگر قدری تأخیر می‌افتاد بهتر بود. به هر حال حکم اجرا شد.

فارس

انتهای پیام/